فرمان و توصیه‌های

عالیقدر امیر المؤمنین

شیخ القرآن و الحدیث مولوی

هبة الله اخندزاده صاحب حفظه الله تعالی

در مورد اقامهٔ نماز

تاریخ: ۱۴۴۶/۱/۱۸هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربِّ العٰلمین والصَّلوٰة والسَّلام
علٰی سیِّد المُرسلین و علٰی آله و أصحابه أجمعین.

فرمان
عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله تعالی
در مورد اقامۀ نماز

شماره: ۲

تاریخ: ۱۴۴۶/۱/۱۸هـ ق

أعوذ بالله من الشـــيطان الرجيم؛ قال الله تعالى: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. [الحج: ٤١]

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَـــدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِحَطَبٍ، فَيُحْطَبَ، ثُمَّ آمُرَ بِالصَّلَاةِ، فَيُؤَذَّنَ لَهَا، ثُمَّ آمُـــرَ رَجُلًا فَيَؤُمَّ النَّاسَ، ثُمَّ أُخَالِفَ إِلَى رِجَالٍ، فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَـــدِهِ لَوْ يَعْلَمُ أَحَدُهُمْ، أَنَّهُ يَجِدُ عَرْقًا سَـــمِينًا، أَوْ مِرْمَاتَيْنِ حَسَنَتَيْنِ، لَشَهِدَ العِشَـــاءَ. [صحيح البخاري، كتاب الاذان، بَابُ وُجُوبِ صَلاَةِ الجَمَاعَةِ :٦٤٤]

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَـــالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ رَجُلٌ أَعْمَى، فَقَالَ: يَا رَسُولَ الله، إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ، فَسَأَلَ رَسُولَ الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ، فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى، دَعَاهُ، فَقَالَ: «هَلْ تَسْـــمَعُ النِّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟» قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «فَأَجِبْ». [صحيح مســـلم كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ، بَابُ يَجِبُ إِتْيَانِ الْمَسْجِدِ عَلَى مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ ٢٥٥ و ٦٥٣]

عَنْ نَافِعٍ مَـــوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، أَنَّ عُمَرَ بْـــنَ الْخَطَّابِ كَتَبَ إِلَى عُمَّالِهِ: إِنَّ أَهَمَّ أَمْرِكُمْ عِنْدِي الصَّلَاةُ، فَمَنْ حَفِظَهَا وَحَافَظَ عَلَيْهَا، حَفِظَ دِينَهُ. وَمَنْ ضَيَّعَهَا فَهُوَ لِمَا سِوَاهَا أَضْيَعُ... [موطأ الامام مالك ج١ص ٦]

"قال عمر بن الخطاب رضي الله عنه: تعاهدوا الرجال في الصلاة؛ فإن كانوا مرضى فعودوهم , وإن كانـــوا غير ذلك فعاتبوهم". [كتاب مناقب أمير المؤمـــنين عمر بن الخطاب لأبي الفرج ابـــن الجوزي، ص ١٨٥] "صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرَّاجِحِ فِي الْمَذْهَبِ أَوْ سُنَّةٌ مُؤَكَّدَةٌ فِي حُكْمِ الْوَاجِبِ كَمَا فِي الْبَحْرِ وَصَرَّحُوا بِفِسْـــقِ تَارِكِهَـــا وَتَعْزِيرِهِ". [الدر المختار وحاشـــية ابن عابدين «رد المحتار» ج١ص ٤٥٧] وفي «الْقِنْيَة»: "تارك الجماعـــة من غير عذر، يجب تعزيره ويأثم الجيران بالســـكوت عنه". [العناية بشرح النقاية لملا علي القاري ج١ص ٣٢٣]

بر اساس آیت شریف، احادیث مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم، اقـــوال حضرت عمر رضی الله تعالی عنه و جزئیات فقهی و اینکه اقامه معروفات و ازاله منکرات بر مبنای آیت نقل شده از جمله اهداف اصلی نظام اسلامی می‌باشند، مراتب آتی ابلاغ می‌گردد:

ماده اول:

۱- اقامه نماز با جماعت شرعاً واجب اســـت و تارک جماعت مستوجب تعزیر می‌گردد.

۲- منسوبین و مسؤولین وزارت‌ها و ادارات امارتی شرعاً مکلف اند که در نمازهای خویش پابند باشـــند و نماز را در اوقات تعیین‌شـــده با جماعت اقامه نمایند.

ماده دوم:

۱- اگر منســـوب و یا مسؤول امارتی بدون عذر موجه نماز را در جماعت اداء ننماید، مســـؤولین دعوت و ارشـــاد وزارت یا ادارۀ مربوطه در قدم نخســـت به موصوف توصیه و در صورت تکرار، نامبرده را به مســـؤول وزارت یا ادارۀ مربوطه معرفی نماید.

۲- مسؤول وزارت یا ادارۀ مربوطه مؤظف است که تارک نماز جماعت را در مطابقت با فقه حنفی به شکل مناسب تعزیر نماید.

ماده سوم:

وزارت ارشـــاد، حج و اوقاف مکلفیت دارد که توصیه‌های ضمیمه این فرمان را برای مردم به گونه مکرر بیان کند.

ماده چهارم:

این فرمان از تاریخ توشـــیح نافذ و یکجا با ضمیمه آن در جریده رسمی به نشر برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

امیرالمؤمنین شیخ القرآن والحدیث

مولوی هبة الله آخندزاده

توصیه های
عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی
در مورد نماز

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله ربِّ العٰلمین والصَّلوٰة والسَّلام علٰی سیِّد المُرسلین و علٰی آله و أصحابه أجمعین، أما بعد: فقد قال الله تبارک وتعالی في محکم کتابه: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوٰةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) [1]

ترجمه: بر همهٔ نمازها مواظبت نمایید [به ویژه] بر نمازِ میانه(که نماز عصر) است و فروتنانه برای الله تعالی به پاخیزید(با ادب) [2]

توصیه نخست

برادران عزتمند و مسلمان، مسؤولین و مجاهدین امارت اسلامی!

برای همه‌تان این توصیه است که به نماز بسیار توجه نمایید، هیچگاهی آن را قضا نکنید و در وقت تعیین‌شده آن را ادا کنید؛ زیرا که:

پس از ایمان، نخستین عبادت فرض شده، نماز می‌باشد:

در دین مبین اسلام برای نماز جایگاه بسیار بلند داده شده است، پس از ایمان نخستین عبادتی را که الله تعالی به آن امر کرده، نماز می باشد. [3]

(۱) سورة البقره ۲۳۸
(۲) تفسیر کابلی
(۳) قال الله تعالی: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (سورة البقرة آية: ۳)
- لأن أول ما وجب الشهادتان ثم الصلاة ثم الزكاة كما صرح به ابن حجر في شرح الأربعين. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/ ۷۹)

در روز قیامت اول از نماز محاسبه خواهد شد:

نماز عبادتی اســـت که در روز قیامـــت از همه عبادات اولتر از آن با مســـلمان محاسبه می‌گردد. رســـول الله صلی الله تعالی علیه وسلم می‌فرماید: نخســـتین چیزی که با بنده در روز قیامت محاسبه می‌شود، نماز اســـت، اگر نمازش درســـت بود و قبول گردید، بناءً ســـایر اعمال موصوف نیز درست بوده و قبول خواهد شد و اگر نمازش فاسد شد، سایر اعمال آن نیز فاسد خواهد شد. (٤)

نماز سبب قبولی سایر اعمال است:

نماز سبب قبولی سایر اعمال می‌گردد، لذا هر مسلمان مؤمن باید تلاش کامل نماید که نماز را به گونه درســـت و کامل اداء کند؛ زیرا نماز کامل ســـبب موفقیت و کامیابی تمام اعمال می‌گردد، کسی که نماز را حفظ کرد، دین را حفظ نموده و کســـی که نماز را ضایع ساخت، سایر اعمال وی نیز ضایع خواهد شد. (٥)

---

(٤)عن انس رضي الله تعالى عنه عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم قال : اول مايحاسب به العبد يوم القيامة الصلاة فان صلحت صلح له سائر عمله وان فسدت فسد سائر عمله. رواه الطبراني في المعجم الاوسط رقم الحديث (١٨٥٩) ج ٢/٢٤٠ (أول ما يحاســـب به العبد يـــوم القيامة الصلاة) أي المفروضة وهي الخمس لأنها أول ما فـــرض عليه بعد الإيمان وهي علم الإيمان وراية الإسلام (فإن صلحت) بأن كان قد صلاها متوفرة الشروط والأركان وشملها القبول (صلح له سائر عمله) يعني سومح له في جميع أعماله ولم يضايق في شيء منها في جنب ما واظب من إدامة الصلاة التي هي علم الدين (وإن فسدت) أن لم تكن كذلك (فسد سائر عمله) (١) أي ضويق فيه واستقصى فحكم بفساده وأخذ منه الأئمة أن حكمة مشروعية الرواتب قبل الفرائض وبعدها تكميلها بها إن عرض نقص قال الطيبي: الصلاح كون الشيء على حالة اســـتقامته وكماله والفساد ضد ذلك وذلك لأن الصلاة بمنزلة القلب من الإنســـان فإذا صلحت صلحت الأعمال كلها وإذا فسدت فسدت. فيض القدير شرح الجامع الصغير (٣/٥٥٠) ط دار الحديث قاهرة

(٥) عَـــنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ عُمَرَ رضى الله تعالى عنه، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُـــولَ اللهِ أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ عِنْدَ اللهِ فِي الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: " الصَّلَاةُ لِوَقْتِهَا، وَمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فَلَا دِينَ لَهُ، وَالصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ " رواه البيهقي في شعب الإيمان (٤/ ٣٠٠)

نماز سبب نجات و روشنایی در روز قیامت است:

رســول الله صلی الله تعالی علیه وسلم می‌فرماید: کسی که نماز را حفظ کند(که همیشه آن را به درستی با تمام حقوق آن اداء می‌کند)، موصوف در روز قیامت روشنایی، دلیل و نجات خواهد داشت، و اگر کسی نماز را حفظ نکند بناءً هیچ روشنایی، هیچ دلیل و هیچ نجاتی نخواهد داشت و نامبرده در روز قیامت با فرعون، هامان، قارون و اُبَیْ بن خلف بر می‌خیزد. (٦)

نماز نسبت به همه اعمال مورد پسند الله تعالی است:

عبد الله بن مســعود رضی الله تعالی عنــه می‌فرماید: من از نبی کریم صلی الله تعالی علیه وسلم پرســیدم که کدام عمل نزد الله پاک بسیار پسندیده است؟ نبی کریم صلی الله تعالی علیه وسلم فرمود: ادای نماز در وقت آن. باز هم پرسیدم که کدام عمل نزد الله پاک بسیار پسندیده اســت؟ باز برایم گفت: نیکی کــردن به پدر و مادر؛ بار ســوم باز هم پرسیدم، بعد برایم گفت: جهاد فی سبیل الله. (٧)

توصیه دوم

کاملاً کوشــش کنید که نمازهای‌تان را با جماعــت اداء نمایید، تا حد امکان نمازهای جماعت را ترک نکنید؛ زیرا رسول الله صلی الله تعالی علیه و ســلم فرموده است: در یک قریه یا دشت که سه نفر باشد و نماز را با جماعت اداء نمی‌کند، بالای آنان شیطان مسلط می‌شود. (٨)

---

(٦) وعن عبدالله بن عمرو العاص رضی الله تعالی عنهما عن النبي صلی الله علیه وســلم : انه ذكر الصلاة يوما فقال : من حافــظ عليها كانت له نورا وبرهانا ونجــاة يوم القيامة ومن لم يحافظ عليها لم يكن له نورا ولابرهانا ولانجاة وكان يوم القيامة مع قارون وفرعون وهامان وابي ابن خلف .مشكوة المصابيح كتاب الصلوة الفصل الثالث ٥٩/١ ط اميرحمزه

(٧) عن أَبِي عَمْرٍو الشَّــيْبَانِيَّ، يَقُولُ: أَخْبَرَنَا صَاحِبُ هَذِهِ الدَّارِ، وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى دَارِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَــلَّمَ: أَيُّ العَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: «الصَّلاَةُ عَلَى وَقْتِهَا» قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: «بِرُّ الوَالِدَيْنِ» قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: «الجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنَّ، وَلَوِ اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنِي. رواه البخاري رقم الحديث (٥٧٣٦) ج ٢ ص ٨٨٢ الحقانيه ومن ذهب الى الغزو وفاتته صلاة فقد ارتكب سبعمائة كبيرة. الفتاوى البزازية على هامش الهندية (٣٤٩/٦)

(٨) عن أبي الدرداء، قال: ســمعتُ رســول الله - صلى الله عليه وســلم - يقول: "ما من ثلاثةٍ في قريةٍ ولا بَدوٍ لا تُقامُ فيهمُ الصلاةُ إلا استَحوَذَ عليهمُ الشَّيطانُ، فعليك بالجماعةِ فإنَّما يأكُلُ الذِّئبُ القاصِيَةَ" رواه ابو داودً رقم الحديث [٥٤٧]

نمازِ کامل، نمازِ با جماعت است:

نماز کامل در اسلام، نماز جماعت است، علماء اتفاق نظر دارند که نماز جماعت نسبت به نماز تنهایی بیست و هفت درجه فضلیت دارد. (۹)

جماعت سبب محبت میان مسلمانان می‌گردد:

نماز جماعت برای پیدا کـــردن محبت و همدلی میان همدیگر و برای یادگیری کسانی که نمی‌دانند، طریقه بسیار خوب است. (۱۰)

در حالت ترس هم جماعت ترک نمی‌شود:

نماز یک فریضه الله پاک اســت که در حالت ترس از دشـــمن نیز الله تعالی به نماز امر کرده اســت که یک بخش لشـــکر نگهبانی می‌کند و بخـــش دیگر آن با جماعت نمـــاز را اداء می‌نمایـــد، بعد بخش دیگر نگهبانی می‌کند. بناءً اگر حالت ترس نباشد، بسیار ضرور است که نماز با جماعت اداء گردد. (۱۱)

---

(۹) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلاَةُ الجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلاَةَ الفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً». رواه البخاري رقم الحديث [٦٤٥]

(۱۰) ومـــن حِكَمها نظام الألفة وتعلم الجاهل من العالم (قوله نظام الألفة) بتحصيل التعاهد باللقاء في أوقات الصلوات بين الجيران بحر. والألفة: بضم الهمزة اســـم الائتلاف ح عن القاموس. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (١/ ٥٥١) ط دار الفكر بيروت (٤٠٨/١) ط المكتبة الحبيبية

(۱۱) وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْـــلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ الآيَة. (سورة النساء آية ١٠٢)

عن عَبْد اللَّهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: غَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قِبَلَ نَجْدٍ، فَوَازَيْنَا العَدُوَّ، فَصَافَفْنَا لَهُمْ، «فَقَامَ رَسُـــولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ يُصَلِّي لَنَا، فَقَامَتْ طَائِفَةٌ مَعَهُ تُصَلِّي وَأَقْبَلَتْ طَائِفَةٌ عَلَى العَدُوِّ، وَرَكَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ بِمَنْ مَعَهُ وَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ انْصَرَفُوا مَكَانَ الطَّائِفَةِ الَّتِي لَمْ تُصَلِّ، فَجَاءُوا، فَرَكَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَـــلَّمَ بِهِمْ رَكْعَةً وَسَجَدَ سَـــجْدَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ، فَقَامَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ، فَرَكَعَ لِنَفْسِـــهِ رَكْعَةً وَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ» رواه البخاري رقم الحديث [٩٤٢] أَبْوَابُ صَلاَةِ الخَوْفِ

عن ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم، «في صلاة الخوف أن يكون الإمام يصلي بطائفة معه، فيسجدون سجدة واحدة، وتكون طائفة منهم بينهم وبين العدو، ثم ينصرف الذين سجدوا السجدة مع أميرهم، ثم يكونون مكان الذين لم يصلوا، ويتقدم الذين لم يصلوا فيصلوا مع أميرهم ســـجدة واحدة، ثم ينصرف أميرهم وقد صلى صلاته، ويصلي كل واحد من الطائفتين بصلاته ســـجدة لنفسه، فإن كان خوف أشـــد من ذلك، فرجالا أو ركبانا» قال: يعني بالسجدة الركعة. رواه ابن ماجة رقم الحديث [١٢٥٨] باب ما جاء في صلاة الخوف

ترک نماز جماعت، نشانه منافقت است:

رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم برای کسی که آذان را می‌شنود و به جماعت حاضر نمی‌شود، این کار را بی وفایی، نادانی، کفر و منافقت دانسته است. (۱۲)

رســول الله صلی الله تعالی علیه وسلم ارادۀ سوختاندن خانه‌های ترک‌کنندگان جماعت را کرده بود:

در روایت آمده است: رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم می‌فرماید: سوگند من به ذاتی است که نفس من در اختیار اوست، همین اراده و قصد کرده‌ام که امر کنم چوب جمع‌آوری گردد، بعد من یک فرد را امر کنم که به مردم نماز دهد و مــن نزد افرادی بروم که نمازها را (بدون عذر) در خانه‌های‌شــان ادا می‌کنند و به جماعت حاضر نمی‌شــوند و خانه‌های آنان را آتش بزنم. (۱۳)

اداء نمودن نماز با جماعت واجب است:

چنانچه ترک جماعت نشانه منافقت دانسته شد، با ترک آن شیطان بالای مســلمانان مسلط می‌گردد، رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم اراده سوزاندن خانه‌های ترک‌کنندگان نماز را کرده بود؛ به همین سبب فقهای ما رحمهم الله تعالی نماز با جماعت را واجب دانسته‌اند که ترک کردن آن گناه است و شخص ترک‌کننده فاسق و مستحق تعزیر می‌گردد. (۱٤)

---

(۱۲) عن سَهْل عَنْ أَبِيه، عَنْ رَسُولِ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: " الْجَفَاءُ كُلُّ الْجَفَاءِ، وَالْكُفْرُ، وَالنِّفَاقُ، مَنْ سَمِعَ مُنَادِيَ اللهِ يُنَادِي بِالصَّلَاةِ يَدْعُو إِلَى الْفَلَاحِ، وَلَا يُجِيبُهُ " رواه احمد في مسنده رقم الحديث [١٥٦٢٧] (٢٤/ ٣٩٠) كذا في الترغيب والترهيب (١/١٦٧) المكتبة الرشيدية

(۱۳) وعن ابي هريره رضى الله عنه قال : قال رسول الله عليه وسلم (والذي نفسي بيده لقد هممت ان امر بحطب فيحطب ، ثــم آمر بالصلاة فيؤذن لها، ثم آمر رجلا فيؤم الناس ، ثم أخالف الى رجال وفي رواية :لايشــهدون الصلاة فأحرق عليهم بيوتهم ، والذي نفسي بيده ، لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقا سمينا، أو مرماتين حسنتين لشهد العشاء) رواه البخاري رقم الحديث [٦٤٤]

(۱٤) بقــي هنا شيء، وهو أن صلاة الجماعة واجبة على الراجح في المذهب أو ســنة مؤكدة في حكم الواجب كما في البحر وصرحوا بفسق تاركها وتعزيره، وأنه يأثم. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (١/ ٤٥٧) دار الفكر

خلفاء راشـــدین رضی الله تعالـــی عنهم به اداء نمــاز و جماعت توصیه کرده‌اند:

ابوبکـــر الصدیق رضی الله تعالی عنه به مجاهدیـــن توصیه می‌کرد که همیشه نمازهای‌شان را با جماعت و در زمان معینه آن ادا نمایند. (۱۵)

همچنان حضرت عمر رضی الله تعالی عنه به والیان خویش نامه نوشت که نزد من در کارهای شما از همه مهمتر، نماز شما است. (۱۶)

توصیه سوم

رکوع در نماز، قومه(ایستادن پس از رکوع)، سجده و جلسه(جلسه پس از سجده‌ها) را با اطمینان ادا نمایید؛ زیرا آنانی که در ارکان نماز تعدیل نمی‌کنند(با اطمینان آن را ادا نمی‌نمایند) وی از همه بدترین دزد شمرده شده است. (۱۷)

---

(۱۵) تتمة النظام (ص: ۴۹)
وجعـــل أبا عبيدة أميرا على الجيـــوش، وكلما اتجه أمير يودعه ويوصيه بتقوى الله وحســـن الصحبة والمواظبة على الصلوات بالجماعة في أوقاتها، وأن يصلح كل منهم نفســـه حتى يصلح الله له الناس، وأن يكرموا رســـل العدوّ إذا قدموا عليهم، وأن يعملوا على تقليل لبثهم عندهم حتى يخرجوا من عســـكرهم وهم جاهلون بأمر المسلمين. فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة (ص: ۳۵۲) ط دار الفكر - دمشق
وأمر يزيد بن أبي سفيان على جيش عظيم هو جمهور من انتدب إليه، فيهم سهيل بن عمرو في أمثاله من أهل مكة، وشيعه ماشيا، وأوصاه وغيره من الأمراء، فكان مما قال ليزيد:
إني قد وليتك لأبلوك وأجربك وأخرجك، فإن أحســـنت رددتك إلى عملك وزدتك، وإن أســـأت عزلتك، فعليك بتقوى الله فإنه يرى من باطنك مثل الذي من ظاهرك، وإن أولى الناس بالله أشدهم توليا له، وأقرب الناس من الله أشدهم تقربا إليه بعمله، وقد وليتـــك عمل خالد، فإياك وعبية الجاهلية، فإن الله يبغضها ويبغض أهلها، وإذا قدمت على جندك فأحســـن صحبتهم، وابدأهم بالخير وعدهم إياه، وإذا وعظتهم فأوجز؛ فإن كثير الكلام ينسي بعضه بعضا، وأصلح نفسك يصلح لك الناس، وصل الصلوات لأوقاتها بإتمام ركوعها وســـجودها والتخشع فيها، وإذا قدم عليك رسل عدوك فأكرمهم، وأقلل لبثهم حتى يخرجوا من عســـكرك وهم جاهلون به، ولا ترينهم فيروا خللك ويعلموا علمك. الكامل في التاريخ (۲/ ۲۴۹) ط دار الكتاب العربي، بيروت – لبنان

(۱٦) عَـــنْ نَافِعٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّـــابِ كَتَبَ إِلَى عُمَّالِه: " إِنَّ أَهَمَّ أَمْرِكُمْ عِنْدِي الصَّلَاةُ. فَمَنْ حَفِظَهَا وَحَافَظَ عَلَيْهَا، حَفِظَ دِينَهُ. وَمَنْ ضَيَّعَهَا فَهُوَ لِمَا سِوَاهَا أَضْيَعُ. رواه في الموطا (۱/۵) المكتبة الحقانية

(۱۷) عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ مُرَّةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا تَرَوْنَ فِي الشَّارِبِ، وَالسَّارِقِ وَالزَّانِي؟ وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُنْزَلَ فِيهِمْ»، قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُـــولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «هُنَّ فَوَاحِشُ. وَفِيهِنَّ عُقُوبَةٌ. وَأَسْوَأُ السَّرِقَةِ الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ»، قَالُوا: وَكَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَلَا سُجُودَهَا» رواه في الموطا رقم الحديث [۷۲] وعن أبي قتادة رضى الله عنه قال (قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أسوء الناس سرقة الذي يسرق من صلاته قالو: يا رسول الله وكيف يسرق من صلاته؟ قال: لايتم ركوعها ولاسجودها وهو حديث صحيح رواه احمد. مشكوة المصابيح باب الركوع الفصل الثالث ۸۳/۱ ط اميرحمزه

نماز بدون تعدیل(اداء کردن با اطمینان)، نماز نیست:

در نزد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم یک فرد طوری نماز خواند که رکوع و سجده را با اطمینان اداء نکرد. رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم برایش فرمود: دو باره نماز بخوان، زیرا تو نماز نخوانده‌ای. [۱۸]

تعدیل در نماز واجب است:

در کتاب‌های فقه شریف آمده اســت: واجب ششــم، ادا کردن تمام رکن‌های نماز با اطمینان می‌باشد. [۱۹]

توصیه چهارم

در تکبیر تحریمه(الله اکبر نخست) با امام شریک شوید:

مقتدی باید کوشش نماید که در تکبیر تحریمه با امام شریک شود، [۲۰] اگر کسی هزار شتر در حرم شریف در راه الله تعالی ذبح کند، شرکت در تکبیــر تحریمه با امام از آن بهتر می‌باشــد، [۲۱] در تکبیر تحریمه برای مقتدی بهتر آن اســت که امام به کلمه(اکبر) برســد، مقتدی به تکبیر شروع کند. [۲۲]

---

(۱۸) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُــولَ اللَّه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ المَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ، فَصَلَّى، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَــلَّمَ، فَرَدَّ وَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ»، فَرَجَعَ يُصَلِّي كَمَا صَلَّى، ثُمَّ جَاءَ، فَسَــلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «ارْجِعْ فَصَلِّ، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ» ثَلاَثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالحَقِّ مَا أُحْسِنُ غَيْرَهُ، فَعَلِّمْنِي، فَقَالَ: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلاَةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ القُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِماً، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، وَافْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلاَتِكَ كُلِّهَا» رواه البخاري رقم الحديث [۷۵۷]

(۱۹) السادس اداء جميع الاركان باعتدال وطمأنينة. الفقه الميسر (ص: ۷۰) ط دارالفاروق الاعظم

والحاصل أن الأصح رواية ودراية وجوب تعديل الأركان، وأما القومة والجلسة وتعديلهما فالمشهور في المذهب السنية، وروي وجوبها، وهو الموافق للأدلة، وعليه الكمال ومن بعده من المتأخرين وقد علمت قول تلميذه إنه الصواب. وقال أبو يوسف بفرضية الكل واختاره في المجمع والعيني ورواه الطحاوي عن أئمتنا الثلاثة. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/ ٤٦٤)دار الفكر

(۲۰) عن أنس بن مالك رضي الله تعالى عنه، قال: قال رســول الله صلى الله عليه وســلم: " من صلى لله أربعين يوما في جماعة يدرك التكبيرة الأولى كتب له براءتان: براءة من النار، وبراءة من النفاق. رواه الترمذي

(۲۱) عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُــولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى يُدْرِكُهَا أَحَدُكُمْ مَعَ الْإِمَامِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ بَدَنَةٍ يُهْدِيهَا» رواه ابن شاهين في كتابه (الترغيب في فضائل الأعمال وثواب ذلك)

(۲۲) (قولــه وقالا الأفضل فيهما بعده) أفاد أن خلاف الصاحــبين في الأفضلية وهو الصحيح نهر. وقيل في الجواز حتى لا يصح الشروع بالمقارنة في إحدى الروايتين عن أبي يوســف ويكون مسيئا عند محمد كما في البدائع. وفي القهستاني: وقال السرخسي: إن قوله أدق وأجود وقولهما أرفق وأحوط. وفي عون المروزي: المختار للفتوى في صحة الشروع قوله وفي الأفضلية قولهما. اهــ. وفي التتارخانية عن المنتقى المقارنة على قوله كمقارنة حلقة الخاتــم والأصبع. والبعدية على قولهما أن يوصل المقتدي همزة الله براء أكبر. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/ ٥۲٦)

توصیه پنجم

از تکبیر تحریمه(الله اکبر نخست) امام، پیشی نگیرید:

اگر مقتدی تمام(اللـــه اکبر) را از امام پیش‌تر بگوید، یا کلمه (الله) را قبل از لفظ (الله) گفتن امام، یا کلمه(الله) را یکجا با امام بگوید، مگر کلمه (اکبر) قبل از (اکبر) گفتن امام بگویید، شروع آن در نماز درست نمی‌شود تا دوباره تکبیر تحریمه را نگفته باشد.[۲۳]

---

(۲۳) (ویســـن مقارنة إحرام المقتدي الخ) لكن يشترط أن لا يكون فراغه من الله أو من أكبر قبل فراغ الإمام منهما فلو فرغ مـــن قوله الله مع الإمام أو بعده وفرغ مـــن قوله أكبر قبل فراغ الإمام منه لا يصح شروعه في أظهر الروايات وهو الأصح لأنه إنما يكون شـــارعا بالجملة ولا يدرك فضلية التحريمية مع الإمام عند الإمام إلا بالمقارنة في الإحرام. حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح ط- أخرى (ص: ۱۷۲)

ويكبر المقتدي مع الإمام فإن قال المقتدي الله أكبر وقوله وقع قبل قول الإمام ذلك قال الفقيه أبو جعفر رحمه الله تعالى الأصح أن لا يكـــون شـــارعاً عندهم وكذلك لو أدرك الإمام في الركوع فقال اللـــه أكبر إلا أن قوله الله كان في قيامه وقوله أكبر في ركوعه لا يكون شارعاً في الصلاة وأجمعوا على أن المقتدي لو فرغ من قول الله قبل فراغ الإمام عن ذلك لا يكون شارعاً في الصلاة في أظهر الروايات. فتاوى قاضيخان (۱/ ٤۱)

وَلَوْ كَبَّرَ قَبْلَ إمَامِهِ لَا تَجُوزُ صَلَاتُهُ مَا لَمْ يُجَدِّدْ؛ لِأَنَّهُ اقْتَدَى بِمَنْ لَيْسَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يَدْخُلُ فِي صَلَاتِهِ وَلَا فِي صَلَاةِ نَفْســـهِ عَلَى الصَّحِيحِ؛ لِأَنَّهُ قَصَدَ الْمُشَـــارَكَةَ وَهِيَ غَيْرُ صَلَاةِ الِانْفِرَادِ وَلَوْ افْتَتَحَ بِ " اللَّهُ " قَبْلَ إمَامِهِ لَمْ يَصِرْ شَارِعًا فِي صَلَاتِهِ؛ لِأَنَّهُ صَارَ شَارِعًا فِي صَلَاةِ نَفْسِهِ قَبْلَ شُرُوعِ الْإِمَامِ، وَلَوْ مَدَّ الْإِمَامُ التَّكْبِيرَ وَحَذَفَ رَجُلٌ خَلْفَهُ فَفَرَغَ قَبْلَ فَرَاغِ الْإِمَامِ أَجْزَأَهُ عَلَى قِيَاسِ قَوْلِهِمَا وَعَلَى قَوْلِ أَبِي يُوسُفَ لَا يُجْزِئُهُ، وَلَوْ كَبَّرَ الْمُؤْتَمُّ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ كَبَّرَ قَبْلَ الْإِمَامِ أَوْ بَعْدَهُ فَإِنْ كَانَ أَكْبَرُ رَأْيِهِ أَنَّهُ كَبَّرَ قَبْلَهُ لَا يُجْزِئُهُ وَإِلَّا أَجْزَأَهُ؛ لِأَنَّ أَمْرَهُ مَحْمُولٌ عَلَى الصَّلَاحِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ الْخَطَأُ بِيَقِينٍ أَوْ بِغَالِبِ الظَّنِّ، كَذَا فِي الْمُحِيطِ، وَالْمُرَادُ بِقَوْلِهِمَا: أَنَّ الشُّرُوعَ يَصِحُّ بِ " اللَّهُ " بِدُونِ " أَكْبَرُ "، وَقَالَ أَبُو يُوسُـــفَ لَا يَصِحُّ إلَّا بِهِمَا كَمَا صَرَّحَ بِهِ فِي التَّجْنِيسِ هُنَا. البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطوري (۱/ ۳۰۸)

توصیه ششم

در رفتن و بلند شدن از رکوع و سجده از امام پیشی نگیرید:

رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است: کسی که پیش‌تر از امام در سجده سر خویش را بلند می‌کند، از این بترسد که الله تعالی سر وی را سر الاغ گرداند. رفتن به رکوع یا سجده پیش از امام و قبل از امام بلند شدن، مکروه است. فقهای ما رحمهم الله تعالی می‌گویند نمازی که با کراهیت اداء گردد، دوباره اداء کردن آن واجب است. [۲٤]

توصیه هفتم

تکبیر تحریمه را در قیام بگویید:

اگر امام را در رکوع دریافتید، تکبیر تحریمه را در قیام تکمیل می‌کنید و بعد به رکوع می‌روید، اگر در حالت رکوع یا در حالتی که به رکوع نزدیک هستید که دست‌های‌تان به زانو برسد، تکبیر تحریمه بگویید نمازتان درست نمی‌شود؛ زیرا شرط الله اکبر نخست این است که در قیام گفته می‌شود برای کسی که قدرت ایستاد شدن را دارد. [۲٥]

---

(٢٤) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَا يَخْشَى - أَوْ أَلَا يَخْشَى - أَحَدُكُمْ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ وَالْإِمَامُ سَاجِدٌ أَنْ يُحَوِّلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ أَوْ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ» رواه ابو داود رقم الحديث [٦٢٣]
ويكره أن يرفع رأسه من الركوع والسجود قبل الإمام؛ لقوله - صلى الله عليه وسلم - «إنما جعل الإمام ليؤتم به فلا تختلفوا عليه». بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (١/ ٢١٨)
(قوله ولو ركع مقتد فأدركه إمامه فيه صح) وقال زفر لا يجزئه . . . وذكر المصنف في الكافي في مسألة الكتاب أنه يصح ويكره لقوله - عليه الصلاة والسلام - «لا تبادروني بالركوع والسجود» وقوله - عليه السلام - «أما يخشى الذي يركع قبل الإمام ويرفع أن يحول الله رأسه رأس حمار» اهـ. وهو يفيد أنها كراهة تحريم للنهي المذكور. البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطوري (٢/ ٨٣)

(٢٥) (قائما) فلو وجد الإمام راكعا فكبر منحنيا، إن إلى القيام أقرب صح ولغت نية تكبيرة الركوع. (قوله قائما) أي في الفرض مع القدرة على القيام ح. (قوله إن إلى القيام أقرب) بأن لا تنال يداه ركبتيه كما مر. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (١/ ٤٨٠-٤٨١)

توصیه هشتم

متصل تکبیر تحریمه، دست‌های‌تان را در زیر ناف بسته کنید:

بعضی افراد وقتی تکبیر تحریمه(الله اکبر نخست) را می‌گویند، دست‌های خود را رها می‌کنند و بعد آن را در زیر ناف خویش بســـته می‌نمایند، این کار خلاف ســـنت است؛ زیرا دفعتاً قرار دادن دست به زیر ناف پس از تکبیر تحریمه، سنت است. (۲۶)

توصیه نهم

تکبیرات انتقالات را در حالت انتقال بگویید:

نمازگزار که از قیام به رکوع می‌رود و یا پس از رکوع به سجده می‌رود، الله اکبر را در بالا و پایین شدن تکمیل می‌کند و آن را به رکوع یا سجده نمی‌رساند؛ زیرا تکبیرات در حین انتقالات، سنت است. (۲۷)

---

(۲۶) (ووضع) الرجل (يمينه على يساره تحت سرته آخذا رسغها بخنصره وإبهامه) هو المختار، وتضع المرأة والخنثى الكف على الكف تحت ثديها (كما فرغ من التكبير) بلا إرسال في الأصح.

(قوله كما فرغ) هذه كاف المبادرة تتصل بما نحو: سلم كما تدخل، نقلها في مغني اللبيب. (قوله بلا إرسال) هو ظاهر الرواية. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/ ٤٨٧)

قوله: "ويســـن وضع الرجل يده اليمنى" كما فرع من التكبير للإحرام بلا إرسال. حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح (ص: ٢٥٨)

(ووضع يده اليمنى على اليسرى تحت السرة) كما فرغ من التكبير. هكذا في المحيط ناقلا عن الإمام خواهر زاده وهكذا في النهاية. الفتاوى الهندية (۱/ ۷۳) الفصل الثالث في سنن الصلاة وآدابها

(۲۷) (قوله ثم يكبر) أتى بثم للإشعار بالاطمئنان فإنه سنة أو واجب على ما اختاره الكمال (قوله مع الخرور) بأن يكون ابتداء التكبير عند ابتداء الخرور وانتهاؤه عند انتهائه شرح المنية. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/ ٤٩٧)

قوله: خافضاً؛ حالٌ من فاعل يكبر؛ أي حال كونه منحطاً للركوع، أشـــارَ به إلى استنانِ كون التكبيرِ مع الانحطاط، وهذا هو الأصـــحّ، كما في (النهر الفائق)، وصحَّـــح في (المنية) كون ابتدائِهِ عند ابتداءِ الخرور، وانتهائـــه عند انتهائه. عمدة الرعاية بتحشية شرح الوقاية (۲/ ۲۷۹)

ويكره أن يأتي بالأذكار المشروعة في الانتقال بعد تمام الانتقال لأن فيه خللين تركه في موضع وتحصيله في غيره. حاشـــية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح (ص: ٣٥١)

توصیه دهم

در نماز آرام ایستاد شوید و با لباس و بدن بازی نکنید:

در نماز بدون عذر یک یا دو بار دست زدن به سر، روی و دیگر اعضای بدن و لباس مکروه اســت و اعاده نماز بالایــش واجب می‌گردد و اگر نمازگزار ســه بار به گونه متواتر به بدن یا لباس خود دست بزند، نمازش فاسد می‌شود. (۲۸)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!
امیرالمومنین شیخ القرآن و الحدیث
مولوی هبة الله اخندزاده

(۲۸) (وكره عبثه بثوبه أو بدنه) أي عبث المصلي بثوبه وبدنه والهاء فيهما وفيما قبلهما من الكلمات راجعة إلى المصلي وإن لم يكــن مذكورا؛ لأن المعنى يدل عليــه وإنما كره العبث لقوله - عليه الصلاة والسلام - «إن الله كره لكم ثلاثا العبث في الصلاة والرفث في الصيام والضحك في المقابر» وقال - صلى الله عليه وسلم - «إن في الصلاة شغلا» «ورأى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رجلا يعبث في الصلاة فقال لو خشع قلب هذا لخشعت جوارحه» تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي (١/ ١٦٢) ط المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة

(وكره عبثه بثوبه وبدنه) لما أخرجه القضاعي مرسلاً عن يحيى بن كثير عنه عليه الصلاة والسلام (أن الله كره لكم ثلاثًا العبث في الصلاة والرفث في الصوم ولضحك في المقابر) وقدمنا أن الكراهة المطلقة يراد بها التحريم. النهر الفائق شرح كنز الدقائق (١/ ٢٧٧) ط دار الكتب العلمية

مطلب في الكراهة التحريمية والتنزيهية (قوله هذه تعم التنزيهية إلخ) قال في البحر: والمكروه في هذا الباب نوعان. أحدهما: ما يكره تحريما وهو المحمل عند إطلاقهم كما في زكاة الفتح، وذكر أنه في رتبة الواجب لا يثبت إلا بما يثبت به الواجب. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (١/ ٦٣٩) دار الفكر بيروت

مطلب كل صلاة أديت مع كراهة التحريم تجب إعادتها: (قوله وكذا كل صلاة إلخ) الظاهر أنه يشــمل نحو مدافعة الأخبثين مما لم يوجب ســجودا أصلا، وأن النقص إذا دخل في صلاة الإمام ولم يجبر وجبت الإعادة على المقتدي أيضا. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (١/ ٤٥٧) دار الفكر بيروت

وعن السرخسي: من ترك الاعتدال تلزمه الإعادة، ومن المشــايخ من قال: تلزمه ويكون الفرض هو الثاني، ولا إشــكال في وجــوب الإعادة إذ هو الحكم في كل صلاة أديت مع كراهة التحريم ويكــون جابرا للأول لأن الفرض لا يتكرر. فتح القدير للكمال ابن الهمام (١/ ٣٠١) دار الفكر بيروت

(والعمل الكثير) واختلف في حده قيل: هو ما يحتاج إلى اليدين، وقيل: ما يشك الناظر أن عامله في الصلاة أو لا وهو اختيار العامة، وقيل ما يكون ثلاثا متواليا حتى لو روح على نفســه بمروحة ثلاثا أو حك موضعا من جسده ثلاثا تفسدان على الولاء. (مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر (١/ ١٢٠)

اقامه نماز با جماعت
شرعاً واجب است و تارک جماعت
مستوجب تعزیر می‌گردد. منسوبین
و مسؤولین وزارت‌ها و ادارات امارتی
شرعاً مکلف اند که در نمازهای خویش
پابند باشند و نماز را در اوقات
تعیین‌شده با جماعت
اقامه نمایند

امارت اسلامی افغانستان
ریاست دفتر مقام رئیس الوزراء
معاونیت امور روابط عامه و استراتیژیک
ریاست مطبوعات